

زوم

نگاهی به فصل دوم «وحشی» ساخته هومن سیدی
قصه استیصال آدم‌ها از نمای نزدیک



زهره کهندل | فصل دوم سریال «وحشی» با نور انداختن به بخش تاریخ زندگی آدم‌های ناچار و مستأصل، بار دیگر توانایی و استعداد هومن سیدی در کارگردانی و هنرمندی و تسلط جواد عزتی در بازیگری را به رخ کشید.

فصل دوم سریال «وحشی» دوشنبه شب‌ها از فیلم‌نت پخش می‌شود و علاقه‌مندان به درام‌های جنایی را در شب‌های بلند زمستان، پای یک اثر تماشایی می‌نشانند، اما آنچه بیش از همه در قسمت‌های آغازین سریال چشمگیر است، علاوه بر مهارت هومن سیدی در روایت‌گری و شخصیت‌پردازی، بازی تماشایی و باورپذیر جواد عزتی در نقش اصلی سریال است. او با گرمی خوب، اکت‌هایی به اندازه و بازی عمیق و اثرگذار، نگاه تماشاگران را میخکوب هنرمندی‌اش کرده‌است.

هومن سیدی هم در مقام کارگردان «وحشی» یکی از بهترین آثارش را ساخته است؛ چه به لحاظ پختگی و چه از باب شخصیت‌پردازی و نوع روایت، به طوری که در این پازل درست، بازی خوبی که از عزتی و دیگر بازیگران گرفته است، درشت‌نمایی می‌کند.

اگرچه استعداد و مهارت بازیگر هم در ایفای نقش مهم است اما وقتی عیار کارگردانی در این باره عیان می‌شود که بازی جواد عزتی در «وحشی» با «زخم کاری» که ترازوی قیاس قرار بگیرد.

جواد عزتی اگرچه وزنه سنگینی در میان بازی‌های معمولی و بد سریال «زخم کاری» بود اما اکت‌ها، احساسات و حتی میمیک صورت او در نقش «داوود اشرف» سریال وحشی بسیار پخته‌تر و کنترل شده‌تر از «مالک» زخم کاری است. گرمی او و میزانشن کارگردان هم در اینکه یک بازیگر چطور در قواره قاب دوربین قرار بگیرد در نمره بازیگری او مؤثر است.

■ **رود یک شخصیت خاکستری به جهان سیاه جنایتکاران**

هومن سیدی، فیلمسازی است که به مخاطب احترام می‌گذارد. بازی‌های تمیز، میزانشن‌های فکرشده، نورپردازی قابل تأمل و موسیقی حرفه‌ای «وحشی» در میان حجم عظیم سریال‌های سطحی این روزها، نفس عمیق خوشایندی در میان نفس‌های پریده آثاری است که در مارتن دیده شدن، چشم بر شعور مخاطب بسته‌اند.

وحشی؛ روایتگر قصه زندگی مردی با گذشته‌ای تاریک و پرورنده‌ای سنگین است که در مرز باریک میان جنون، عدالت و انتقام دست و پا می‌زند. روایت چندلایه، تدوین پرشتاب و بازی‌های کنترل شده، «وحشی» را از کلیشه‌های آشنای آثار پلیسی دور و به اثری عمیقاً روان‌شناسانه بدل کرده‌است.

سریال در فصل اول با قالب‌هایی گیرا در قصه‌پردازی و بازی چشمگیر و تماشایی باز یگرانش به ویژه جواد عزتی و نگار جواهریان، جایش را در دل مخاطبان باز کرد و حالا با محکم کردن جاپایش در آغاز فصل دوم، نشان از مسیر درست این سریال دارد که احتمالاً در قسمت‌ها و فصل‌های بعدی جذاب‌تر هم می‌شود.

ماجراهای فصل اول در بزنگاهی پرتنش به پایان رسید، داوود اشرف که نتوانست بی‌نگاهی‌اش را اثبات کند، به زندان افتاد و مادرش در قمرگ شد. حالا او پس از پنج سال زندگی در زندان، آدم دیگری شده است، اما همچنان اصرار دارد پا به جهان خلافکاران و جنایتکاران نگذارد ولی جبر روزگار، او را در مسیر ناخواسته‌ای قرار می‌دهد.

■ **فیلمسازی که طیفه فرودست را به خوبی می‌شناسد**

ماجرای فصل دوم به روزهای پس از آزادی داوود اشرف می‌پردازد. اگرچه پایان‌بندی فصل اول این طن را قوت می‌بخشید که نگار جواهریان در فصل دوم نباشد اما او هم در فصل دوم حضور مؤثر و پرنرگی دارد و رابطه میان «داوود» و «رها» همچنان در این فصل ادامه می‌یابد.

نوید پورفرچر هم که در «مغزهای کوچک زنگ‌زده» یکی از استعدادهای کشف شده هومن سیدی بود، بار دیگر با این فیلمساز همکاری کرده است. او با گرمی متفاوت و یک بازی تماشایی از قسمت دوم به سریال اضافه شد و اگرچه تا قسمت چهارم خبری از او نیست، ولی بعید است که کارگردان با خلق این بدمن جذاب، به حضورش در یک قسمت اکتفا کرده باشد و احتمالاً در قسمت‌های بعدی، سروکله او پیدا خواهد شد. هومن سیدی هم با نقش «خسرو» به قصه اضافه شد و بار ایفای نقش یک خلافکار باهوش و رموز را در داستان به دوش می‌کشد که داوود را به عنوان بدل خودش در موقعیت‌های مختلف معرفی کرده است؛ از قرار معامله برای فروش مواد مخدر با یک توزیع‌کننده گرفته تا حضور در جلسه رسمی با حضور متولیان یک خیریه.

مهم‌ترین امتیاز وحشی، پرداخت جزئی و واقعی فیلمساز به زندگی آدم‌های ناچار و مستأصل جامعه است. کارنامه فیلم‌سازی هومن سیدی نشان می‌دهد او آدم‌های طبقه فرودست، آسیب‌دیده و خلافکار را به خوبی می‌شناسد و به جزئیات زندگی، دغدغه‌ها، خواسته‌ها، نیازها، آرزوها و درگیری‌هایشان آشناست.

اگرچه قصه وحشی برگرفته از یک پرونده واقعی است، اما بخش زیادی از آن دراماتیزه شده و ماجراهای فرعی جذابی به آن اضافه شده است. وحشی قرار است در چهار فصل ساخته و پخش شود و باید دید چه ماجراهایی در انتظار داوود اشرف است و او وارد جهان تاریک‌تری می‌شود یا نه.

فرهنگ و هنر

گفت‌وگو با کارگردان انیمیشن «ژولیت و شاه» و شرایط اکرانش در این روزها

نمی‌توانم فیلمی بسازم که مؤلفه‌های ایرانی نداشته باشد



صبا کریمی | «ژولیت و شاه» به نویسندگی و کارگردانی اشکان رهگذر محصول استودیو هورخش، انیمیشنی موزیکال در ژانر کمدی - عاشقانه است که از ۱۷ دی اکران خود را در سینماهای کشور آغاز کرده است. این انیمیشن تاکنون در ۱۴ جشنواره بین‌المللی حضور داشته و موفق به کسب ۶ جایزه شده است و نخستین نمایش آن در داخل کشور به چهل و سومین جشنواره فیلم فجر برمی‌گردد. این انیمیشن که به وقایع تاریخی شکل‌گیری تئاتر غربی در ایران می‌پردازد، داستان جولی باز یگر جویای نام ولی تازه‌کار تئاتر است که توسط ناصرالدین‌شاه به ایران دعوت می‌شود تا نقش ژولیت را در نمایشی بازی کند. غافل از آنکه شاه نقشه دیگری برای او دارد.

در حالی که پیش‌بینی می‌شد اکران این فیلم در سینماها با استقبال خوبی مواجه شود، ناآرامی‌های این روزها، فضای جامعه را از شرایط عادی خارج کرده و سینما و همه رویدادهای فرهنگی و هنری را به حاشیه رانده و فروش فیلم‌ها را با سیر نزولی قابل توجهی روبه‌رو کرده‌است.

رهگذر که در سال ۱۴۰۱ هم «آخرین داستان» را در شرایطی نامساعد روی پرده داشت درباره اکران فیلم جدیدش می‌گوید: نمی‌توانم انتظار داشته باشم

در چنین شرایطی مردمم به دیدن فیلم کمدی موزیکال در رابطه با تاریخ فرهنگی ما بروند؛ مگر چه اهمیتی دارد؟ اما می‌توانم قول بدهم در ساخت هر دو فیلم، عاشقانه به ایران فکر کردم و در ساخت فیلم‌های بعدی‌ام چنین خواهم کرد. در ادامه مشروح گفت‌وگو می‌ما با این فیلمساز را درباره ساخت انیمیشن «ژولیت و شاه» و شرایط نامطلوب اکران برای فیلم‌های روی پرده می‌خوانید.

■ **فیلم‌هایم همیشه درباره ایران، تاریخ و محیط زیست این سرزمین است**

اشکان رهگذر در واکنش به فضای متفاوت انیمیشن «ژولیت و شاه» که برخلاف اغلب انیمیشن‌های ایرانی، تأکید ویژه‌ای بر هویت بومی و ایرانی بودن دارد، می‌گوید: به نظر من مسئله به ماهیت وجودی هنرمند بازمی‌گردد که تا چه اندازه حرفی برای گفتن داشته باشد یا اساسا در جست‌وجوی تجربه و تألیف در آثارش باشد.

من انیمیشن را به عنوان مدیومی که عاشقانه دوستش

دارم برای گفت‌وگو و نه صرفاً برای تولید محصول انتخاب کرده‌ام. طبیعتاً بحث مالی و موفقیت‌های اقتصادی

پروژه برای من هم ارزش و اهمیت دارد، زیرا ما به صورت مستقل و خصوصی کار می‌کنیم و می‌خواهیم از کاری که انجام می‌دهیم پول دربیاوریم. ضمن اینکه وقتی به شاخصه‌های سرگرمی در «ژولیت و شاه» نگاه کنید، می‌بینید سکانس‌های موزیکال متعددی دارد و از خوانندگان و موزیک‌های آشنا استفاده شده و کمدی‌ای که در لایه‌های داستانی است همه این‌ها همان دغدغه سرگرمی را پوشش می‌دهد، اما در عین حال من همواره دغدغه ایران را داشته‌ام؛ هم در این فیلم و هم در فیلم‌های قبلی و هم در هر آن چیزی که در آینده خواهم ساخت، ایران برای من اهمیت بسیاری داشته و موضوع فیلم‌هایم همیشه درباره ایران، تاریخ و محیط زیست این سرزمین است به همین دلیل هیچ گاه نمی‌توانم خودم را از آن جدا کرده و اثری خلق کنم که مؤلفه‌های ایرانی ندارد، زیرا همان طور که گفت‌م من صرفاً برای بازار، کار انجام نمی‌دهم و به دنبال این هستم که یک گفت‌وگویی را در آثارم شکل بدهم.

■ **انتخاب برشی از تاریخ برای روایت تبادلات فرهنگی ایران با اروپا**

رهگذر در ادامه در پاسخ به این پرسش که ردهپای شکسپیر در دل داستانی ایرانی آیا با هدف جذب مخاطب خارجی همراه بوده، می‌گوید: این مسئله ناخودآگاه بود، اما نه از آن بُعدی که من فیلم را بسازم که برای آن‌ها هم آشنا باشد. این کار بسیار راحتی است که شما اثری را تولید می‌کنید که چه به لحاظ مؤلفه‌های تصویری و چه به لحاظ داستان و قصه، مؤلفه‌های معمول بین‌المللی را دارد و نتیجه این طور می‌شود که یک فروش راحت هم در داخل و هم در خارج تجربه می‌کنید، زیرا هنوز ذائقه بصری و روایی مخاطب انیمیشن در ایران از انیمیشن‌های آمریکایی سرچشمه می‌گیرد و ما تعارفی هم در این رابطه نداریم و در همه جای دنیا هم به این شکل است. اما من سعی کردم گوشه‌ای از تاریخ را انتخاب و تعریف کنم که در رابطه با تعاملات فرهنگی یک ملت و فرهنگ در مواجهه با دنیااست؛ یعنی یک برشی از تاریخ را روایت کردم که به مخاطبان خارجی بگویم که ما ایرانی هستیم و در این مقطع از تاریخ این گونه به اروپا

■ **مشکلات مالی، تولید را یک سال و نیم متوقف کرد**

وی می‌افزاید: مشکلات مالی هم روی روند تولید تأثیر بسزایی داشت و هم کار را تحت تأثیر قرار داد، مسئله‌ای که همیشه درگیرش هستیم و می‌بینیم هز ینه‌ها چطور روزانه بالا می‌روند، به طور مثال ما بودجه‌ای را برآورد کردیم، اما همان بودجه در یک سال بیش از ۶۰ درصد افزایش پیدا کرد و همه این اتفاقات منجر به یک درگیری حقوقی با سرمایه‌گذار پروژه شد که نتیجه آن توقف یک سال و نیم پروژه بود و در نهایت با همراهی برخی دوستان در تیم سرمایه‌گذاری توانستیم به توافق برسیم و پروژه را به نتیجه برسانیم.

این کارگردان در بخش دیگری از این گفت‌وگو به تیم دوبله ژولیت و شاه اشاره می‌کند و درباره تفاوت‌های آن با تجربه‌های دیگرش می‌گوید: برخلاف صداپیشگان «آخرین داستان» که همه بازیگر سینما بودند در این پروژه تصمیم گرفتیم از دوبلورها و یک تیم جوان پرانرژی استفاده کنیم. به همین خاطر با امین قاضی که مدیر دوبلاژ پروژه ما شد، تماس گرفتیم و ایشان هم تیمی را به ما پیشنهاد کرد و رفت و برگشت‌هایی سر انتخاب صداها داشتیم. از آنجایی که ما در مرحله استوری‌برد دوبله را انجام دادیم، صداپیشگان باید روی استوری‌برد صداها را می‌گفتند و این خودش یک چالش جدید برای تیم دوبله بود. البته روتوش نهایی هم در پایان داشتیم اما در مجموع با یک تجربه تازه روبه‌رو بودیم و به لحاظ زمانی هم خیلی بیشتر از آنچه یک فیلم طول می‌کشد، تیم دوبله زمان برد.

■ **ماجرای پیوستن حامد بهداد به انیمیشن ژولیت و شاه**

از طرفی دیگر تنها صداپیشه‌ای هم که به عنوان بازیگر در گروه داشتیم حامد بهداد بود که ایشان خیلی اتفاقی به تیم ما پیوست.

در واقع در جریان سفری که برای اکران عمومی «آخرین داستان» به مشهد داشتیم، او از پروژه بعدی من پرسید و من هم پیش‌نمایشی از ژولیت و شاه را نشانش دادم که خیلی از آن خوشش آمد و گفت یک صدای پیرزن ساخته و پیشنهاد داد که آن را بشنوم. این صدا به نظر خیلی جذاب و بازمه آمد و مناسب نقش مهدعلیا بود. علاوه بر این حامد بهداد خواننده بسیار خوبی هم هست و در فیلم ترانه‌ای هم برای مهدعلیا داریم و من از ایشان دعوت کردم و پذیرفت همراه گروه باشد. با توجه به سابقه تجربه خیلی خوبی هم که ایشان در دوبله دارد، نتیجه بسیار خوبی گرفتیم و اتفاق متفاوتی رخ داد. ضمن اینکه در کنار صداپیشه‌ها از حضور خوانندگان هم بهره‌مند شدیم و تلاش کردیم جنس صدای خوانندگان با صدای دوبلورها هماهنگی داشته باشد و خیلی از هم دور نباشند و نتیجه کار هم آن چیزی شده که امروز می‌بینید.

■ **در التهابات اجتماعی، دیواری کوتاه‌تر از سینما نیست**

رهگذر در ادامه در واکنش به وضعیت اکران فیلم‌های روی پرده در شرایط ناآرام فعلی جامعه و اینکه سینما و اساساً فرهنگ و هنر همیشه از این وضعیت آسیب دیده، می‌گوید: من بیشتر از نصف عمرم را در کشور خودم کار کردم و دو فیلم انیمیشن سینمایی متفاوت ساختم، اما هیچ وقت رنگ ثبات را ندیدم و شرایط به گونه‌ای نبوده که در یک وضعیت اقتصادی و یا سیاسی و اجتماعی باثبات فیلمی را بسازم. ما همه این مسائل را در زمان اکران «آخرین داستان» در سال ۱۴۰۱ هم تجربه کردیم و اکنون نیز همان مشکلات را در زمان اکران «ژولیت و شاه» به شکل بدتر و سخت‌تری تجربه و تحمل می‌کنیم. قطعاً در این شرایط دیواری کوتاه‌تر از سینما نیست و هر اتفاقی که می‌افتد نخستین جایی که تعطیل می‌شود سینماها، سالن‌های تئاتر و فرهنگ و هنر است. از سویی دیگر نمی‌شود از مردم انتظار داشت در این شرایط به سینما بروند و فیلم کمدی موزیکال ببینند. بنابراین امیدوارم ژولیت و شاه شانس بیاورد و پس از اینکه این مسائل پایان یافت بتواند دیده شود، چون ۴۰۰ هنرمند در طول ۶ سال برای به نتیجه رسیدن این فیلم تلاش کردند و سرمایه‌گذار هم زحمت کشیده و به ما اعتماد کرده و حداقل باز‌خوردی که می‌توانیم داشته باشیم این است که فیلم در یک شرایط آرام و منصفانه در سینماها به نمایش درآید و مردم بروند آن را تماشا کنند، اما شرایط و وضعیت فعلی به شدت ناامیدکننده است و دعا می‌کنم مردم مثل همیشه سربلند بیرون بیایند.

انتشار سروده‌های آقای بازیگر در «من شاعر نیستم»

در این کتاب هیچ چیز سرچایش نیست!

را از صفحه بیرون می‌کشد.

کتاب «من شاعر نیستم» سروده حمید شریف‌زاده و طراحی سعید نقاشیان در ۳۳۲ صفحه جلد سخت با کاغذ گلاسّه و قیمت ۹۸۰ هزار تومان توسط نشر گویا به بازار کتاب آمده است. در نگاه نخست قیمت کتاب به نسبت تعداد صفحاتش گران به نظر می‌رسد اما استفاده از طراحی روی کاغذ گلاسّه موجب شده کتاب به نسبت آثار دیگر با قیمت بیشتری عرضه شود. حمید شریف‌زاده متولد ۳ بهمن ۱۳۶۵ در تهران است. او بازیگر، تحصیلکرده معماری، کارگردانی سینما و دانش‌آموخته کارگردانی نمایش است. «من شاعر نیستم» نخستین حضور جدی او در قالب یک کتاب شعر مستقل است. زبان او سرراست، شخصی و احساسی است؛ شعری که از دل زندگی روزمره، تجربه‌های زیسته و زخم‌ها و امیدهای انسانی می‌آید. سعید نقاشیان، طراح گرافیک، خوشنویس، صاحب درجه هنری و از شاگردان استاد حمید عجمی در خوشنویسی معلی است. او خالق خط ابداعی «گیتی» است؛ شیوه‌ای که مرزهای خوشنویسی کلاسیک را بازتر کرده و فرم را به سمت نقاشی، حرکت و ترکیب‌بندی‌های بزرگ و جسورانه برده است. نقاشیان در این کتاب برای هر صفحه یک اثر مستقل خلق کرده؛ یعنی هیچ خطی تکراری نیست و کتاب بیش از آنکه یک مجموعه شعر باشد، یک نمایشگاه کوچک هنر است.

